

## زنی شوهرش را کشت

# جزییات تکان دهنده جنایت زنی در ولنجک



**گروه حوادث:** زن جوان که از رفتارهای همسرش به تنگ آمده بود در اقدامی عجیب در برابر چشمان دخترانش دست به قتل شوهرش زد. این زن و دخترش برای اینکه پلیس را فریب دهند سناریوی طراحی کردند تا مرگ پدر خانواده را حادثه نشان دهند.

### صبح زمستانی

عقربه‌ها ساعت هفت صبح سه‌شنبه چهارم دی ماه سال جاری را نشان می‌داد که زنی در تماس با امدادگران اورژانس برای نجات جان شوهرش درخواست کمک کرد. دقایقی بعد تیم پزشکی با حضور در خانه زن جوان به سراغ شوهرش

در اتاق خواب رفتند و در همان بررسی‌های ابتدایی مشخص شد که مرد ۵۷ ساله نفس نمی‌کشد و به کام مرگ فرو رفته است.

### پلیس در صحنه

ماجرای مرگ مرز آموز احمد وقتی به ماموران کلانتری ۱۶۳ ولنجک مخابره شد تیمی از تجسس کلانتری وارد عمل شدند و پای در صحنه مرگ گذاشتند. با توجه به مشکوک بودن صحنه جسد مرد خانواده ماموران پلیس کلانتری ماجرایی این حادثه را به بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران گزارش کردند و همزمان با تیم قضایی ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران و تیمی از تشخیص هویت و پزشکی قانونی در صحنه حضور یافتند.

### مرگ شوهر بد اخلاق

بازپرس منافی آذر از شعبه ۳ دادسرای امور جنایی تهران دستور داد تا جسد احمد برای بررسی علت مرگ به پزشکی قانونی منتقل شود و در ادامه تحقیقات پلیسی از خانواده احمد کلید زده شد.

معصومه ۴۰ ساله در تحقیقات ابتدایی به ماموران گفت: دوشنبه شب شوهرم سرگرم درس دادن به دختر ۹ ساله‌ام بود و من دختر بزرگم نیز سرگرم کارهای خانه و آماده کردن میز شام بودیم که ناگهان احمد عصبانی شد و شروع به فحاشی کرد.

وی افزود: احمد مرد بد اخلاقی بود و در این حال من به رفتار او اعتراض کردم و بین مادرگیری رخ داد و همسر مرا به باد کتک گرفت تا اینکه دختر ۱۸ ساله‌ام ناهید مرا از پدرش دور کرد و درگیری من پایان گرفت. واحد برای استراحت به اتاق رفت. زن جوان ادامه داد: صبح سه‌شنبه به سراغ همسرم رفتم او را از خواب بیدار کنم تا بچه‌ها را به مدرسه ببرد که متوجه شدم بدن شوهرم سرد است و نفس نمی‌کشد و با اورژانس و پلیس تماس گرفتم.

### قتل خانوادگی

تجسس‌های پلیسی در حالی ادامه داشت که ناهید ۱۸ ساله نیز حرف‌های مادرش را تایید کرد. اما وقتی نظریه پزشکی قانونی اعلام شد پرونده مرزوبه یک سناریوی قتل تبدیل شد. پزشکی قانونی اعلام کرد که احمد به خاطر خفگی و مسدود شدن مجاری تنفسی‌اش به کام مرگ فرو رفته است. همین کافی بود که بازپرس و تیم جنایی پلیس خود را در برابر یک قتل خانوادگی دیده و فاش کنند مادر و دختر برای منحرف ساختن مسیر تحقیقات داستان دروغی را طراحی کرده‌اند و حتما در قتل احمد دست داشته‌اند.

### بازداشت مادر و دختر

همین کافی بود تا بازپرس پرونده دستور دستگیری معصومه و دخترش

را صادر کرد و روز یکشنبه ۹ دی ماه معصومه و ناهید در حالی دستگیر شدند که می‌دانستند رازشان لو رفته است.. معصومه که خیلی وحشت زده و گریان بود در این شاخه از تحقیقات به افسر تحقیق گفت: شب حادثه شوهرم در حال درس دادن به دختری ۹ ساله‌ام بود که ناگهان به دخترم فحاشی کرد و من که از رفتارهای همسرم خسته شده بودم به او اعتراض کردم و احمد مرا خیلی شدید به باد کتک گرفت. وی افزود: احمد مرد بد اخلاق و خشنی بود و همیشه من و دخترانم را به باد کتک می‌گرفت تا اینکه دوشنبه سوم دی ماه پس از اینکه احمد با دخترم و من درگیر شد روی میل نشست و سرگرم دیدن تلویزیون شد من که به شدت عصبانی بودم دیگر نتوانستم جلوی خشمم را بگیرم سال‌ها عذاب و کتک جلوی چشمانم رژه می‌رفتند و اینکه بچه‌هایم چه روزهای سختی را پشت سر می‌گذارند باید این اتفاق تمام می‌شد و ما به آرامش می‌رسیدیم صحنه کتک‌هایی که به دخترانم زده بود خیلی دردناک بودند یک لحظه به شوهرم نگاه کردم او حواسش به من نبود با تمام نفرت به سمتمش رفتم از شدت عصبانیت روسری‌ام را دور گردنش انداختم و با تمام زوری که در بازوهایم داشتم او را خفه کردم.

زن جوان با بغض ادامه داد: بچه‌هایم

هیچ تقصیری ندارند آنها تنها شاهد ماجرا بودند پس از قتل شوهرم به کمک ناهید جسد او را به داخل اتاق خواب بردیم تا صحنه را مرگ عادی شوهرم نشان دهیم. من و دخترانم هماهنگ شدیم چه چیزهایی بگوییم تصور می‌کردیم به همین راحتی نجات پیدا کنیم اما نظریه پزشکی قانونی دستانم را رو کرد و مشخص شد من او را خفه کرده‌ام. ناهید که می‌دید مادرش به همه چیز اعتراف کرده است در بازجویی‌ها به کارآگاهان گفت: من وقتی دیدم مادرم روسری‌اش را دور گردن پدرم انداخته سمتمشان دویدم تا نگذارم اتفاقی بیفتد خیلی تلاش کردم تا مادرم دستانش را رها کند و پدرم زنده بماند اما بی‌فایده بود مادرم با تمام زورش روسری‌اش را دور طرف می‌کشید تا اینکه نفس پدرم رفت و او به کام مرگ فرو رفت.

وی افزود: پس از قتل به مادرم کمک کردم و جسد را داخل اتاق خواب بردیم و به خاطر اینکه پس از قتل پدرم نمی‌خواستیم مادرم را هم از دست بدهم با او همکاری کردم و صحنه قتل را تغییر دادیم.

بنابه این گزارش، مادر و دختر جوان پس از اعتراف به قتل پدر خانواده به دستور بازپرس سجاد منافی آذر از شعبه ۳ دادسرای امور جنایی تهران در اختیار ماموران اداره ۱۰ پلیس آگاهی تهران قرار دارند.

## شکایت باز یگر «بانوی عمارت» در دادسرای کرج

دادیار دادسرای جنایی کرج از درگیری اینستاگرامی برای بازیگر دختر در سریال بانوی عمارت خبر داد. روزهای پایانی هفته گذشته دختر ۲۰ ساله بازیگری با حضور در دادسرای جنایی کرج از فرد ناشناسی که بارها اندازی صفحه اینستاگرامی جعلی به نام وی، این بازیگر را به در دسر انداخته، شکایت کرد. بادنستور بازپرس پرونده، دختر بازیگر برای ادامه تحقیقات در پلیس فتای استان البرز حاضر شد. او در جریان تحقیقات به افسر تحقیق گفت: من دانشجوی هستم و حرفه‌ام بازیگری است. به تازگی هم نقش اصلی سریال بانوی عمارت را بازی کرده‌ام. چند روز پیش از طریق یکی از دوستان متوجه شدم فردی ناشناس صفحه اینستاگرامی به نام من را راه اندازی کرده است. همه عکس‌های خصوصی و بازیگری‌ام را در آنجا منتشر کرده است. فرد دانشناس با راه اندازی این صفحه اینستاگرامی باعث شده افرادی که به کار و حرفه‌ام علاقه‌مند بودند از این صفحه بازدید کنند. او با جعل و سوءاستفاده از نام من، افراد زیادی را جذب این صفحه اینستاگرامی کرده است. دختر بازیگر ادامه داد: باورم نمی‌شود فردی حریم خصوصی‌ام را زیر پا گذاشته باشد و دست به این کار بزند. اول گمان کردم فردی که این اینستاگرام را به نام من راه اندازی کرده قصدش شوخی با من باشد و بعد از چند روز این صفحه را مسدود می‌کند اما او همچنان در این صفحه فعال است و می‌تسم با نام من دست به سوءاستفاده بزند. او اطلاعاتی از زندگی‌ام و فعالیت هنری‌ام را در آن صفحه منتشر کرده است و هر روز بر تعداد مخاطبان این صفحه افزوده می‌شود. قاضی میر عشقی، دادیار اظهار نظر دادسرای جنایی کرج در این باره گفت: با شکایت دختر بازیگر، تحقیقات پلیسی برای دستگیری فرد ناشناسی که بارها اندازی این صفحه اینستاگرام جعلی به نام خانم بازیگری را به در دسر انداخته است آغاز شده تا مشخص شود انگیزه این فرد از این اقدام چه بوده است.



## قتل مادر زن و برادر زن به دست داماد عصبانی

داماد یک خانواده در شهرستان خوی مادر زن و برادر همسر ۱۳ ساله‌اش را با چوب به قتل رساند. سهرنگ علی ابراهیمی جانشین فرماندهی انتظامی آذربایجان غربی افزود: روز یکشنبه ۹ دی ماه سال جاری درگیری مرگبار و سرقت طلا به پلیس اعلام شد و موضوع در دستور کار پلیس آگاهی قرار گرفت. وی با اشاره به اینکه قاتل پس از وقوع جرم متواری شده بود، اظهار داشت: ماموران آگاهی با بهره‌گیری از امکانات فنی و عملی، قاتل را در سریع‌ترین زمان ممکن و در همان روز دستگیر کردند. سهرنگ ابراهیمی اضافه کرد: قاتل در بازجویی به این قتل‌ها اعتراف و علت درگیری را اختلاف خانوادگی اعلام کرد. وی ادامه داد: ماموران آگاهی طلاهای سرقتی را هم کشف کردند و متهم پس از تشکیل پرونده مقدماتی جهت سیر مراحل قانونی به مراجع قضایی معرفی شد.



## کودک ربایی ۲ میلیاردی در زاهدان

گروگان گیری ۲ میلیارد ریالی پسر بچه ۷ ساله در شهر زاهدان با دستگیر متهمان در کمتر از ۶ ساعت به پایان رسید. سردار محمد قنبری گفت: ظهر یکشنبه ۹ دی ماه سال جاری مرد جوانی در تماس با پلیس ۱۱۰ ماجرایی که آدم ربایی در خیابان امام خمینی (ره) شهر زاهدان را گزارش کرد و تیمی از ماموران دایره جرایم جنایی پلیس آگاهی زاهدان پای در محل گذاشتند. وی افزود: در بررسی اظهارات فرد تماس گیرنده که پدر فرد بوده شده است مشخص شد پسر ۷ ساله‌اش به نام الیاس مقابل منزلش با بچه‌های دیگر در حال بازی بوده که توسط سرنشینان یک دستگاه خودرو پراید گروگان گرفته شده و آدم ربایان لحظاتی بعد با او تماس گرفته و برای رهایی او مبلغ ۲ میلیارد ریال مطالبه کردند. سردار قنبری گفت: با توجه به اهمیت حفظ جان پسر بچه ربوده شده، عملیات با هادیت مستقیم رئیس پلیس آگاهی استان توسط سه تیم از ماموران زده اداره مبارزه با جرائم جنایی بصورت نامحسوس و با پشتیبانی عملیاتی تیم‌های از ماموران انتظامی شهر زاهدان آغاز شد. فرمانده انتظامی استان سیستان و بلوچستان تصریح کرد: افسران زده پلیس آگاهی با اقدامات اطلاعاتی، روانی بر روی سرنخ‌های کشف شده ساعت ۲۰:۳۰ دقیقه در یک عملیات کاملاً حساب شده هماهنگی یکی از آدم ربایان را در آخرین تماس با پدر کودک ربوده شده در حال مکالمه در خیابان آزادی شهر زاهدان در محاصره خود قرار دادند و او را دستگیر و پسر بچه خردسال را به صورت صحیح و سالم، رها کردند. بنابه این گزارش، تحقیقات تکمیلی از متهمان در پلیس آگاهی زاهدان ادامه دارد.

این مرد در بیمارستان های تهران پر سه می زد

## دزدی های مرد ایرانی در بازگشت از آلمان

دزد گوشی‌ها را که مرد قدبلند و لاغری بود را دستگیر کردند و در تجسس‌ها مشخص شد محمد قصد سرقت گوشی موبایل از داخل کیف یک زن را داشته که صاحب کیف متوجه دستبرد مرد جوان می‌شود و با کمک دیگر همراهان داخل بیمارستان موفق به دستگیری وی می‌شوند.

### خونسردی عجیب

محمد با چهره‌ای آرام و خونسرد ادعای کرد هنوز هیچ سرقتی صورت نگرفته که او را به عنوان دزد دستگیر کرده‌اند و می‌گوید دیگر سرقت‌های داخل بیمارستان کار او نبوده است. ماموران در ادامه پی بردند که محمد یکی از سارقان سابقه‌دار است که ۲ سال قبل از زندان آزاد شده و از چندی قبل دست به سرقت گوشی موبایل از داخل بیمارستان زده است.

### دزد مقیم آلمان

محمد ۴۷ ساله با چهره‌ای آرام و خونسرد ادعای کند و وقتی از آلمان به ایران بازگشت به خاطر همسرش اعتیاد پیدا کرد و پس از جدایی به خاطر بیکاری در خیابان‌های پایتخت گدایی می‌کرده است. **سابقه داری؟** ۲ بار بخاطر سرقت و تحصیل مال نامشروع

دستگیر شدم.

آخرین بار کی زندان بودی؟

۲ سال قبل از زندان آزاد شدم.

اعتیاد داری؟

بله، ولی از روزی که دستگیر شدم دیگر مواد نمی‌کشم.

از چند سالگی شروع به مصرف مواد کردی؟

۱۷ ساله بودم که مواد می‌کشیدم.

چه موادی مصرف می‌کردی؟

هروئین.

از همان زمان اعتیاد پیدا کردی؟

نه، ابتدا به صورت تفریحی بود و اعتیاد نداشتم ولی وقتی از آلمان به ایران بازگشتم به مواد مخدر اعتیاد پیدا کردم.

چند سال آلمان بودی؟

۱۰ سال در کشور آلمان بودم.

چرا بر گشتی ایران؟

شرایطم درست نشده بود و کشور آلمان مرا قبول نکرد، از آوارگی خسته شده بودم که به ایران بازگشتم.

در آلمان چه شغلی داشتی؟

در یک دیسکو شبانه کار می‌کردم.

پس از بازگشت در ایران چه کاری می‌کردی؟

کار خاصی نداشتم، بعضی اوقات در جلوی سفارت آلمان کار ترجمه انجام می‌دادم اما با اعتیادم دیگر نتوانستم همان کار را انجام دهم.

هزینه اعتیاد و زندگی‌ات را از چه راهی تامین می‌کردی؟

بیکار بودم تا حدی که در خیابان‌ها پرسه می‌زدم و کار به گدایی رسید.

الان به چه جرمی دستگیر شدی؟

سرقت گوشی موبایل از داخل بیمارستان.

چطور سرقت می‌کردی؟

من دزدی زیادی نکردم، شب‌ها برای خواب و استراحت به بیمارستان می‌رفتم و روی صندلی



راهر و بیمارستان می‌خوابیدم تا اینکه چند روز قبل وقتی صبح از خواب بیدار شدم، چشمم به یک کیف افتاد، وسوسه شدم و به سراغ کیف زنانه رفتم، تا دستم را داخل کیف کردم ناگهان صاحبش سر رسید. **چرا فرار نکردی؟** تا صاحب کیف زنانه بالای سرم آمد شروع به داد و فریاد کرد و گفت که گوشی موبایل و پول‌هایش را سرقت کردم که خیلی زود چند همراه بیمار و حراست بیمارستان به سراغم آمدند و دستگیر شدم. بنابه این گزارش، سارق جوان برای تحقیقات بیشتر و افسشای دیگر جرائم احتمالی‌اش در اختیار ماموران پلیس تهران قرار دارد.



بود با جلب رضایت اولیای دم از قصاص‌هایی یابد و از زندان آزاد شود.

### اعتراف

سعید در بازجویی‌ها قتل را گردن گرفت و گفت: دو سال قبل در درگیری با یکی از بچه محل‌ها در خیابان بی‌سیم دست به چاقو بردم و یکی از دوستانم را کشتم. من در زندان رفتم تا اینکه نتوانستم رضایت اولیای دم را جلب کنم و از زندان

آزاد شوم. می‌خواستم زندگی تازه‌ای را آغاز کنم اما این بار در اوج مستی دست به قتل زدم.

وی در خصوص دومین قتل گفت: آن شب به عروسی یکی از اقوام دعوت شده بودم. بعد از پایان جشن عروسی به پیشنهاد یکی از دوستانم مشروب خوردم و مست شدم. حال طبیعی نداشتم که وارد حیاط تالار شدم. در حیاط مقتول با یکی از دوستانش ایستاده بود، او به من خیره شد و مرا مسخره کرد. من هم در اوج مستی به رویش چاقو کشیدم و بعد از تخریب خودرویی که در همان حوالی بود یک ضربه به سینه امیر زدم. اما من اصلاً و رانمی شناختم و خصوصتی با او نداشتم.

### قتل بدون شکایت

در حالیکه در روند تحقیقات مشخص شد که خانواده امیر هیچ شکایتی از قاتل ندارند دادستان برای این قاتل به اتهام عریضه کشی، چاقو کشی، تخریب خودروهای پارک شده در محل و ایجاد رعب و وحشت در خواست مجازات کرد. به این ترتیب پرونده این قاتل دیروز با صدور کیفرخواست به شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد تا به زودی از جنبه عمومی جرم محاکمه شود.